

### رقابت کمدی‌ها جدی‌تر می‌شود

در هفته‌ای که گذشت، چندین فیلم جدید به اکران سینماها اضافه شدند اما هنوز موفق به جذب مخاطب قابل توجهی نشده‌اند. رقابت اصلی در بازار فیلم‌های کمدی بین دو اثر «زودپز» و «صبحانه با زرافه‌ها» در حال انجام است. فیلم زودپز به کارگردانی رامبد جوان پس از یک ماه اکران، بیش از دو میلیون و ۲۷۶ هزار تماشاگر و فروش ۱۳۴ میلیارد تومانی را در کارنامه خود دارد. در مقابل، صبحانه با زرافه‌ها که از نهم آبان

روی پرده رفته، نزدیک به ۵۰۰ هزار تماشاگر جذب کرده است. در صدر جدول فروش، فیلم «تگزاس ۳» به کارگردانی مسعود اطیابی قرار دارد که با بیش از چهار میلیون و ۴۰۰ هزار تماشاگر و فروش ۲۴۸ میلیارد تومان، عنوان پرمخاطب‌ترین فیلم سال را به خود اختصاص داده است. در جایگاه دوم، فیلم «تمساح خونی» به کارگردانی جواد عرتی با دو میلیون و ۸۰۰ هزار نفر تماشاگر و ۱۶۸ میلیارد تومان فروش قرار دارد. همچنین، فیلم

# حراج بنجل‌های آخرالزمانی

**نخستین فیلم سری «بیگانه»، سه‌ماه پس از پیروزی انقلاب اکران شد؛ فیلمی که با نشانه‌های ضداسلامی‌اش در خدمت تفکر اسرائیلی بود و حالا نیز جدیدترین نسخه آن «بیگانه: رومولوس» همان هدف را دنبال می‌کند**



سعید مستفائی  
سندساز و  
کارشناس سینما

بعد از ماجرای ساخته‌شدن قسمت‌های دوم و سوم و حتی ۸م برای فیلم‌های مختلف که با عنوان فرانچایز Franchise معروف شدند، حالا مدتی است مابین قسمت‌های اصلی، پرانتهایی بازمی‌کنند که برخی اوقات این پرانته‌ها درباره یکی از شخصیت‌ها و یا ماجراهای فرعی است که اسپین آف Spin-off نامیده شده؛ برخی مواقع جزئیات دیگری از مجموع ماجراها را روشن می‌کند و بعضی وقت‌ها هم واقعا لکی ویی خود است.

این قسمت از مجموعه فیلم‌های بیگانه تحت عنوان «رومولوس» به‌نظم از همین دسته آخر باشد! ماجرای که در بین قسمت‌های اول و دوم فیلم بیگانه ریدلی اسکات در سال ۱۹۷۹ و فیلم «بیگانه‌ها» جیمز کامرون در سال ۱۹۸۶ اتفاق می‌افتد. برخی آن را یک «اینترکول» (interquel) گفته‌اند، یعنی اثری که هم دنباله و هم پیش‌درآمد است و فاصله بین دو با چند اثر قبلی را پر می‌کند! کمپانی ویلند یونانی (میراث پیترو ویلند و ویلند کوریوریشن با فیلم «پرومتئوس») که در فیلم بیگانه، فضاییما «نوسترو» را ظاهرا برای اکتشافات فضایی ولی درواقع برای به‌دست آوردن نمونه‌ای از مخلوقات ترکیبی (باقیمانده از پیش‌قسمت‌های پرومتئوس و «پیمان») جهت ارتقای جنس بشر فرستاده بود، پس از به بن‌بست رسیدن و نابودی آن (بدون آن‌که از سرنوشت تنها بازمانده آن فضاییما یعنی سرگرد الی ریپلی خبر داشته باشد) اینک کاوشگری دیگر را به نقطه انهدام آن اعزام کرده و نمونه سنگواره‌شده آن را به‌دست آورده و به مرکز خودانتقال می‌دهد.

### یک کلیشه تکراری

از اینجا طبق معمول و با همان فرمول فیلم «مرده شیر» سام رمزی (که از قضا بازسازی آن را سال گذشته، فد آلواز کارگردان همین فیلم «رومولوس» انجام داد)، دو پسر و سه دختر که برای شرکت ویلند یونانی کارگری می‌کنند و البته یک ربات به‌نام اندی، به‌قصد فرار از سیاره‌ای که در آن گرفتاربردگی‌گشته‌اند، عازم یک ایستگاه فضایی سرگردان شده، به‌قصد به‌دست‌آوردن کیسول‌های سوخت برای خواب زمستانی و سفر به سیاره‌ای به نام یوگا که بتوانند نفس‌کشیده‌و خورشید را ببینند.

اما آن ایستگاه سرگردان حاوی همان نمونه‌هایی است که کمپانی ویلند یونانی می‌خواسته با استفاده از آنها، نوع بشر جدید و مقاومی به‌وجود آورد! از همین‌جاست که درگیری آن جوان‌ها و موجودات سمج و بدبدن یادشده آغاز می‌شود و مثل فیلم‌های قبلی بیگانه، ربات‌ها نقش مهمی دارند؛ از جمله رباتی نصفه‌ونیمه به‌نام روک (مثل دیوید فیلم پرومتئوس) با سرکله ربات «اش» فیلم بیگانه (که یان هولم فقید نقشش را بازی می‌کرد و حالا با هوش مصنوعی مجدداً سروحیره یان هولم را برای او قرار داده‌اند) گویا هدایت

معمول قضیه موجودات فضایی و عناصر آن سوی کهکشان‌ها و ... است، آن گونه که در فیلم‌ها و سریال‌هایی همچون سفر ستارای (پیش‌تازان فضا) یا فضایی ۱۹۹۹ یا گمشده در فضا؛ کهکشان) و... دیده بودیم اما از همان اولین فیلم بیگانه، پالس‌هایی به‌خصوص در صحبت‌ها و عملکرد، رباتی به‌نام اش (که تا زمان درگیری‌اش با سرگرد ریپلی مشخص نشد یک ربات است) که از سوی شرکت ویلند ماموریت یافتن نمونه‌های ترکیبی را برعهده داشت تا ادامه همان ماموریت در بیگانه‌ها (جیمز کامرون) توسط ربات دیگری به نام بیشاب که تقریباً مشخص گردید آن موجودات مشمژ کنند، پدیده‌هایی ناشناخته از دیگر سیارات و کهکشان‌ها نبوده بلکه هیولاهایی باستانی هستند که از عمق تاریخ بشر آمده و در دل و مغز میزبان خود یعنی انسان‌ها وارد می‌شود و در عروق مغزی نفوذ می‌کند تا از اکسیژن مغز تغذیه‌کند. در واقع مانند یک یاور ذهنی درون میزبان رشد کرده و سرانجام با قربانی کردن وی، به عنوان موجودی جدید متولد می‌شد. اینگونه به انسان هشدار داده می‌شد که با یک خطر به شدت مرگبار مواجه است. خطری که حتی بررسی و تحلیل و پژوهش درباره آن نیز مرگبار بوده و تنها اقدامی که انسان‌ها بایستی انجام دهند، آن است که فقط موجود بیگانه را در هر شرایطی که هست، نابود سازند.

آنچه که نسبت به شرایط اکران فیلم، یعنی فضای پیروزی انقلاب اسلامی در یکی از حساس‌ترین نقاط سوق الجیشی جهان، بی‌ارتباط به نظر نمی‌رسید. نشانه‌های فیلم علیه‌اسلامی که از حدود دو سال قبل از آن، کاسه کوزه مهم‌ترین پایگاه غرب در منطقه را به

### «خورشید آن ماه» بررسی می‌شود

**فیلم سینمایی «خورشید آن ماه، به کارگردانی ستاره اسکندری، ۲۱ آبان ساعت ۱۷ در سینماک به نمایش درمی‌آید. این نمایش با نشست نقد و بررسی همراه است که با حضور جواد طوسی، منتقد و رضا ممیم، جامعه‌شناس برگزار خواهد شد. خورشید آن ماه نخستین فیلم به زبان بلوچی در سینمای ایران است و داستانی عاشقانه در بستر اجتماعی سیستان و بلوچستان روایت می‌کند. موسیقی متن این فیلم توسط حسین علیراده ساخته شده و بازیگرانی چون نازنین فراهانی و پژمان بازیگر در آن حضور دارند.**

هم زده و در نظر آنها مانند هیولایی از دل تاریخ برخاسته بود (آنچنان که مقام ارشد اسرائیلی در همان زمان، آن را به زلزله تشبیه کرد) کاملاً واضح و روشن بود.

### لارنس عربستان در پرومتئوس

اما برخی این گونه برداشت‌ها را تحت عنوان توهم توطئه محکوم می‌کردند تا این‌که ریدلی اسکات با ساخت فیلم پرومتئوس در سال ۲۰۱۲، به اصطلاح آب یاکی را روی دشتان ریخت؛ در آن فیلم دیوید (ربات هوشمند و اداره‌کننده فضاییما پرومتئوس) علاقه بسیاری به فیلم لارنس عربستان و شخصیت اصلی آن داشت، به طوری که دیالوگ‌های سر تامس لارنس را در لحظات حساس مدام با خود تکرار کرده و حتی آرایش و موهای خود را شبیه لارنس درآورده بود. هنگامی که سفینه پرومتئوس به سیاره محل مهندسان مورد نظر می‌رفت، به گونه‌ای وانمود می‌کرد گویی این لارنس است که عازم عربستان و سرزمین مسلمانان گردیده، چنانچه وقتی به سیاره فوق نزدیک شد و آماده فرود آمدن روی آن بود، جمله‌ای از تامس لارنس در فیلم لارنس عربستان را زمزمه کرد: ...هیچ‌چی در این بیابان نیست و هیچ‌کس، هیچی نمی‌خواد...

این همان جمله‌ای است که لارنس در فیلم لارنس عربستان هنگام ورود به عربستان با خود زمزمه می‌کرد و حالا گویی آن سیاره همان سرزمینی است که جمله لارنس برایش مناسب به نظر می‌رسید و موجودات درونش یعنی همان بیگانه‌ها، ما به ازای مسلمانان بودند! (ضمن

این‌که مسلمانان برای فرهنگ غرب صلیبی/صهیونی همواره حکایت همان بیگانه‌ها را داشته‌اند!) در ابتدای فیلم پرومتئوس، موجودی که ردایی به تن دارد (به سبک و سیاق زاهدان و کشیشان) که کنار آیشاری آمده و رد از خود بر گرفته (چهره‌اش شبیه به موجوداتی شبه انسان و غول آساست که بعداً در فیلم مترادف همان مهندسان یا طراحان انسان تلقی می‌شوند). او ماده‌ای را از درون ظرفی می‌خورد و سپس دچار تغییر و تحولات وحشتناکی در بدن و عروق و حتی DNA خود می‌شود و پس از سقوط در آبشار، همه اجزای بدنش از هم جدا و تجزیه شده و سپس در آب، مجدداً به یکدیگر می‌پیوندند تا به گلبول‌های قرمز تبدیل شده و صحنه بعد انسان‌هایی را می‌بینیم، گویی نتیجه آن ترکیب جدید DNA که در پای آبشار فوق‌الذکر هستند.

بعداً بقایای این موجودات انسان/هیولا را در همان سیاره محل ماموریت پرومتئوس به شکل سنگواره مشاهده می‌کنیم؛ به‌علاوه موجودات مشمژکننده‌ای که درون تخم‌هایی آماده فرستاده شده به زمین برای از بین بردن نسل انسان هاست. گویا آن مهندسانی که بشر را به‌وجود آورده بودند، از او ناامید شده و قصد نابودی‌اش را کردند که همان موجودات بیگانه ساخته دست خودشان، آنها را به اضمحلال گشانند.

(ریدلی اسکات در مصاحبه‌ای گفت، صحنه‌ای در فیلم وجود داشته یا برای فیلم نوشته بوده که یکی از گناهان نابخشدونی انسان را به صلیب کشیدن عیسی مسیح نشان داده که از فیلم یا فیلمنامه حذف شد) و سرانجام در انتهای فیلم پرومتئوس از

تخم‌ریزی آن موجودات درون بدن آخرین مهندس باقی‌مانده، همان بیگانه غول آسابه‌وجود می‌آمد که در سایر قسمت‌های بیگانه از جمله همین رومولوس شاهدش بودیم.

### افسانه‌های شرک‌آمیز یونان باستان و تفکرات صهیونی

امدا ر انتهای رومولوس، ناظر پدید آمدن یک موجود بیگانه دیگری از تخم‌ریزی همان موجودات ریز، درون زنی باردار هستیم که حاصلش پراساس برنامه‌ریزی همان کمپانی ویلند یونانی، انسان غول‌آسای ناقص‌الخلقه‌ای است که قوی‌تر از بشر کنونی به نظر می‌رسد (اتا حدودی شبیه همان مهندس‌ان فیلم پرومتئوس ولی تپوع‌آور و وحشی! در اینجا در واقع شرک علنی در سری فیلم‌های بیگانه به اوج می‌رسد و علاوه بر این‌که خالقان بشریت، یک‌سری موجودات مخوف و غول‌آسا به نام مهندسان نشان داده شده‌اند، خود همین بشر مخلوق نیز در ترکیب با آن موجودات ریز سمج، هیولا/انسان‌هایی شبیه همان مهندسان را پدید می‌آورند! چیزی شبیه به پرسیوس در افسانه‌های شرک‌آمیز یونان باستان که فرزند نامشروع ژئوس (خدای آسمان و زمین) و مدوزا، کاهنه معبد آتنا بود؛ یعنی در واقع یک نیمه بشر/نیمه خدا که در نهایت او می‌تواند به جنگ ژئوس رفته و اقوام تحت‌سلطه‌اش را نجات بخشد.

همان‌طور که در قسمت چهارم همین مجموعه فیلم‌های بیگانه به نام احیاء ساخته ژان بی‌یر ژونه، سرگرد ریپلی بازتولد یافته با ترکیبی از هیولای بیگانه در خود به یک انسان/هیولا تبدیل شده که می‌تواند با هیولای اصلی بجنگد. این‌تم هیولا/انسان

«پول و پارتی» به کارگردانی سعید سهیلی که از مرداد اکران شده، یک میلیون و ۶۶۲ هزار تماشاگر و ۹۰ میلیارد تومان فروش داشته است. انیمیشن «ببعی قهرمان» نیز با بیش از ۸۶۷ هزار تماشاگر و ۲۹ میلیارد تومان فروش توانسته به آمار مطلوبی دست یابد. به‌نظر می‌رسد با ادامه روند فعلی گیشه سینما و با اکران احتمالی فیلم «هفتاد سی» از آذرماه شاهد رقابتی جدی میان کمدی‌ها باشیم.

به‌عنوان منجی در بسیاری از دیگر فیلم‌های این گونه، به چشم می‌خورد؛ از هری پاتر که یکی از هورکرواکس‌های ولد‌مورت بود تا کاراکتر تام کرورز در فیلم مومیایی و تا...

این تاکید بر نشانه‌های فرهنگ شرک‌آمیز یونان باستان که حتی در نامگذاری‌های فیلم هم دیده می‌شود (مانند رمولوس که با برادرش روموس، فرزندان مارس، خدای جنگ بودند) یا پرومتئوس که حکایت خدای آتش است و...)، و پیوند زدن آن به فرهنگ آخرالزمانی غرب صلیبی/ صهیونی، در واقع به‌خوبی همسانی و یگانگی این دو تفکر و تئولوژ آنها را در یک‌سری فیلم هالیوودی نشان می‌دهد؛ آنچنان‌که سر کارل ریموند پوپر یهودی (نظریه‌پرداز معروف جامعه‌باز) نیز در تئوری‌های خود و کتاب حدس‌ها و ابطال‌ها، این دو (شرک) یونان باستان و صهیونی) را یکی دانست که علیه‌شان همواره توطئه وجود داشته است. به‌هر حال این ماجرای بیگانه هم مانند جنگ‌های ستاره‌ای (از قسمت هفتم به بعد با انیمیشن‌ها و سریال‌ها و ...) به دگانی چند نبش بدل شده که همان تفکرات بنجل آخرالزمانی را به خورد مخاطبش می‌دهد! متأسفانه بسیاری از مخاطبان امروز بیگانه، رومولوس، چندان با قسمت‌های قبلی آشنا نبوده و مقهور این دستپخت اسکات و آلواز می‌شوند اما به این دوستان پیشنهاد می‌شود که اگر حاشا را داشتند، حتما قسمت‌های قبلی را ببینند تا متوجه شوند در این فیلم شاخ و غلیی شکسته نشده و قله قافی فتح نشده است!

#### پیش‌تولید

### «ناتوردشت» با حجازی‌فر کلید خورد

فیلمبرداری فیلم جدید محمدرضا خردمندان با نام موقت «ناتوردشت» در تهران آغاز شد. پروانه ساخت این پروژه به تهیه‌کنندگی مهدی فرجی حدود یک ماه قبل از سوی سازمان سینمایی صادر شده است. فیلمی اجتماعی که فیلمنامه‌اش توسط حمید اکبری‌خامنه نوشته شده و اولین نمایش آن در جشنواره فیلم فجر خواهد بود. خردمندان در چند سال گذشته مشغول ساخت سه سری «از سریال «از سرنوشت» بود و سال ۱۳۹۵ نخستین فیلم بلند سینمایی خود را با نام «بیست و یک روز بعد» کارگردانی کرد. ناتوردشت دومین فیلم بلند سینمایی این کارگردان به حساب می‌آید. هادی حجازی‌فر و میرسعید مولویان دو بازیگر اصلی این فیلم هستند. این می‌تواند ترکیبی جذاب برای دو بازیگر توانمند در یک فیلم اجتماعی باشد که برای اولین بار است کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. حجازی‌فر بازیگر گوینده‌کاری است که این اواخر سریال «داریش» با بازی و کارگردانی او از پلتفرم پخش شد. آخرین حضور او در سینما به فیلم تازه اکران شده صبحانه با زرافه‌ها برمی‌گردد. میرسعید مولویان نیز که با فیلم «تومان» وارد عرصه سینما شد در سریال «خاتون» و فیلم «جنگل پرتقال» درخشید.

#### دیدگاه

### نیاز جدی سینما به رده‌بندی سنی

مسعود جهانشاهی، دبیر پنجاه‌وچهارمین جشنواره فیلم رشد در گفت‌وگو با خبرنگاران به تشریح روند برگزاری این جشنواره پرداخت. وی تأکید کرد که جشنواره فیلم رشد به‌عنوان قدیمی‌ترین جشنواره فیلم ایران، هرساله توسط سازمان پژوهش و فیلم‌سازی و بینندگان یادآوری می‌کند. او گفت: «علاقه‌مندان به سینما می‌توانند با تولید فیلم‌های با کیفیت در این حوزه، مخاطبان بیشتری جذب کنند.» وی همچنین به پتانسیل‌های بالای جشنواره در میان ۱۶ میلیون دانش‌آموز در ایران اشاره کرد و افزود: «این جشنواره فرصت‌های خاصی برای نمایش فیلم‌های آموزشی فراهم می‌آورد. فیلم‌های مناسب می‌توانند به آموزش و پرورش دانش‌آموزان کمک شایانی کنند.» جهانشاهی با تأکید بر ضرورت رده‌بندی سنی برای محتوای تصویری منتشرشده، گفت: «تولید محتوای ملز در زمینه موضوعات حساس اجتماعی بدون توجه به سن مخاطب، رویکردی غیرقابل‌پذیرش است.»

